

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۸	کوتاه نوشتی از کارنامه علمی دکتر احمدتفضلی
۱۱	پیشگفتار چاپ اول
۱۳	پیشگفتار چاپ دوم
۱۵	پیشگفتار چاپ سوم
۱۶	مقدمه ناسخ
۱۷	مقدمه مؤلف

ستایش اورمزد و دین مزدیسنی و خرد (بندهای ۱۳-۱) - درباره «دانا» و کوشش او
در خواستاری خرد (۵۶-۱۴) و تجلی مینوی خرد بر او (۶۰-۵۷)

صفحه	پرسش
۲۰	۱ اندرزه‌های گوناگون (۱۰۹-۱) - سرنوشت روان پس از مرگ (۱۱۰ به بعد)
۲۸	۲ اندرزه‌های گوناگون
۲۸	۳ اندرزه‌های گوناگون
۲۹	۴ درباره زمین‌های شاد
۲۹	۵

.....	دربارۀ زمین‌های ناشاد	۶
۳۰	۶
.....	دربارۀ بهشت و برزخ و دوزخ	۷
۳۱	۷
.....	چگونگی آفرینش مخلوقات اورمزد و اهرمن (۱-۱۶) - سیارات و بروج (۱۷-۲۱) - تغییر یافتن آفریدگان و اورمزد و اهرمن (۲۲-۳۰)	۸
۳۲	۸
.....	رفتن از اقلیمی به اقلیم دیگر - گوهر آسمان - اختلاط آب در زمین	۹
۳۳	۹
.....	ناممکن بودن آشتی میان اورمزد و اهرمن و همچنین تغییر گوهر	۱۰
۳۳	۱۰
.....	خرد و هنر	۱۱
۳۳	۱۱
.....	امور مینو و گیتی - دوازده برج و هفت سیاره - جای گرفتن مردم در بهشت و برزخ و دوزخ بر حسب اعمال آنان	۱۲
۳۴	۱۲
.....	دربارۀ این که چرا حیوانات بدون آموختن صاحب آگاهی‌اند اما انسان باید تعلیم بگیرد - دربارۀ علت وجود کیش‌های مختلف و توصیف دین مزدیسنی	۱۳
۳۵	۱۳
.....	دربارۀ پناه و دوست و نامبردار و رامشیار و خواسته و شادی	۱۴
۳۶	۱۴
.....	دربارۀ درویشی و توانگری و قدرت	۱۵
۳۷	۱۵
.....	دربارۀ خوراک و پوشاک مردمان - شیر، گندم و خرما - فواید و مضارمی (۲۰-۶۳) - پرنیان و پنبه	۱۶
۳۹	۱۶
.....	شادی و غم	۱۷
۳۹	۱۷
.....	چهار چیزی که مردم کمتر بدان می‌اندیشند	۱۸
۴۰	۱۸
.....	زندگی با بیم و سخن دروغ بهتر است یا مرگ؟	۱۹
۴۰	۱۹

.....	۴۰	چیزهایی که برای پادشاهان سودمند و چیزهایی که زیان رسان است.
.....	۴۰	درباره فرجام مردگیتی آرا و مینو برهم زن فرجام استهزاء کننده و کسی که به وظیفه خویش رفتار نمی کند و کینه ور و کاهل و دروغ اندیش و تحقیر کننده
.....	۴۰	کوشش و تقدیر
.....	۴۰	خرد و دانایی و تقدیر
.....	۴۰	درخواست حاجت و خوب کرداری و شایستگی و تقدیر (بخت و بفویخت)
.....	۴۳	توانگر درویش و درویش توانگر
.....	۴۳	کورچشم و کوردل و نادان و بدخیم
.....	۴۴	علت کامکاری مردم در زمان گیومرث و هوشنگ تا گشتاسب - تقدیر (۱۰-۱۳) -
.....	۴۷	کارهای سودمند هر یک از پادشاهان تا گشتاسب
.....	۴۷	چه کسی متحمل تر و نیرومندتر و تیزتر و شادتر و غمگینتر است؟
.....	۴۸	چه کسی را بیشتر باید مورد توجه و حمایت قرار داد؟
.....	۴۸	کدام زندگی بدتر و چه کسی از نظر خرد ناپسندیده تر است؟
.....	۴۸	وظائف روحانیان و نظامیان و کشاورزان
.....	۴۹	وظائف صنعتگران و مزدوران
.....	۴۹	سرور و سالار و دوست و خویشاوند و زن و فرزند و سرزمین بد
.....	۴۹	آفریده‌ای که اهرمن کمتر بدو آسیب می‌رساند

۵۰	۳۴	مردم توانگر و درویش
۵۰	۳۵	فهرستی از گناهان
۵۱	۳۶	فهرستی از کارهای نیک
۵۲	۳۷	علت نرسیدن نیکی گیتی بنا بر شایستگی هر کسی
۵۳	۳۸	اندرزهای گوناگون
۵۴	۳۹	اندرزهای گوناگون
۵۵	۴۰	اندرزها - صفات خوب و بد
۵۶	۴۱	انواع مردم
۵۶	۴۲	رسیدن به اورمزد و امشاسپندان و بهشت از طریق اعمال نیک که هر کدام به منزلهٔ سلاحی است.
۵۷	۴۳	دربارهٔ وضع آسمان و زمین و ریزش و ترتیب آب و ابر و دیو زمستان و سرزمین کم آفت تر (= ایرانویج)
۵۸	۴۴	دربارهٔ فریب اهرمن و شادی و جا و خوراک او
۵۹	۴۵	زیان رسان ترین و بزرگترین ستم اهرمن
۵۹	۴۶	دربارهٔ برترین خواسته (خرد) - چیزی که مسلط بر همه است (بخت) - چیزی که از آن نمی توان گریخت (وای بد)
۵۹	۴۷	جای هوش و حافظه و تخم مردمان در تن
۶۰	۴۸	ستارگان و خورشید و ماه

۷	
۴۹	توانگر فرخ و بخت برگشته
۶۱
۵۰	تأثیر بخت
۶۱
۵۱	اندرزها
۶۲
۵۲	طریقه پرستش ایزدان
۶۳
۵۳	چرا نادان تربیت و تعلیم دانایان را نمی پذیرد؟
۶۳
۵۴	چرا مردم بدگوهر نیکان را و مرد بی افزارمندان را دوست ندارد.
۶۳
۵۵	کوه‌ها و دریاها
۶۴
۵۶	خرد و اهمیت آن
۶۴
۵۷	علت تبدیل نادانی و ابلهی مرد صاحب قدرت به دانایی و هنرمندی
۶۷
۵۸	عیوب هر یک از طبقات چهارگانه
۶۷
۵۹	تأثیر هم‌نشینی در معرفیت انسان به نیکی یا بدی
۶۸
۶۰	دربارهٔ رد (= سرکرده) مردان و زنان و اسپان و پرندگان و گاو و ددان و غلات
۶۸
۶۱	دربارهٔ کنگدز و ورجمکرد و محل قرار داشتن تن سام و محل اقامت سروش و خر سه‌پا، هوم و گوبد و کرماهی و سیمرخ و چینامروش
۶۹
۶۲	دربارهٔ بزرگترین کار نیک
۷۱
۷۳	تعلیقات
۷۳
۱۱۷	فهرستها

مقدمه مؤلف

* > ۱ به نام و ستایش آفریدگار اورمزد که دهنده همه سودهاست. ۲ و همه ایزدان آفریده در مینو و گیتی، ۳ و فرهنگ فرهنگ‌ها - دین مزدیسنی - ۴ که سرچشمه دانائی و * تشخیص^۱ از آن است، ۵ به فرّه و کام مقدّسان دو جهان، تعلیمات آفریدگار اورمزد ۶ و همه ایزدان بسیار نیرومند ۷ و توجه^۲ در بردارنده آسایش فراوان از سوی ایزدان، دانایان خاصی که کارشان منطقی است. ۸ پاداش‌های نونو به دارنده خرد (رسد)، ۹ از راه یافتن سود دو جهانی به فراوانی، < که = خرد) شفابخش‌ترین است برای تن و روان.

۱۰ چنان‌که در بهدین پاک مزدیسنان، معجزه معجزات، منزّه از گمان، بی‌مثال، بنابر گفتار آفریدگار اورمزد و زرتشت سپیتمان در جاهای بسیاری فتویٰ داده شده است ۱۱ که آفریدگار بسیار نیک این مخلوقات را به خرد آفرید ۱۲ و آنان را... (?).^۳ به خرد نگاه می‌دارد. ۱۳ و به سبب افزار (= قدرت) خرد که سودبخش‌ترین است، آنان را پایدار و بی‌دشمن، به جاودانگی همیشگی، از آن خود کند.

۱۴ به همین دلیل پیدا است ۱۵ که دانایی بود که گفت ۱۶ که اگر این معلوم است که

* - از بند ۱ تا ۲۸ مقدمه از نسخه کپنهاک افتاده است. این قسمت از روی متن پازند و بعضی نسخ متأخر پهلوی که احتمالاً برگردانیده تحریر پازند است، ترجمه شده است.

۱- متن پازند vajīdār به جای wizīdārīh «گزینش، تشخیص».

۲- متن پازند pardāzišnī.

۳- در متن پازند کلمه a-vīn-gardiḥ آمده است که بر من روشن نیست بازگردانیده چه کلمه پهلوی است.

دین ایزدان راستی و قانونشان خوبی است و بر مخلوقات نیک کامه و بخشاینده‌اند، ۱۷ به چه علت است که بیشتر مردمان دارای کیش‌ها و گروه‌ها و اصول بسیارند ۱۸ و بیشتر آن کیش‌ها و قانون‌ها و گروه‌ها به کار ایزدان گزند رسانند و خوب نیستند؟ ۱۹ و این را نیز اندیشید که: ۲۰ برای تشخیص این امر باید رنج برد ۲۱ و به این چیز آگاه باید بود. ۲۲ زیرا که در پایان کار تن به خاک آمیخته شود و اتکاء بر روان باشد. ۲۳ و هر کسی باید برای روان رنج برد، ۲۴ و از کار نیک آگاه باشد. ۲۵ زیرا که آن کار نیکی که مردم ناآگاهانه کنند، کار نیک کمتری به‌شمار می‌آید. ۲۶ (ولی) آن گناهی که ناآگاهانه کنند، آن گناه بر ذمه‌شان باشد. ۲۷ و از اوستا پیداست ۲۸ که < «کسی که تاکنون کاری برای روانش نکرده است، کاری نکرده است. ۲۹-۳۰ و از این به بعد نیز کاری نمی‌کند، کسی که برای روانش کار نکند. ۳۱ زیرا که مینو و گیتی^۱ مانند دو دژند. ۳۲ و مسلم است که یکی را می‌ستانند (=تسخیر می‌کنند) و دیگری را نمی‌توان گرفت.» ۳۳ پس آن چیزی را انبار کن که نیک است و مسلماً پیداست که کسی نمی‌تواند آن را بگیرد. ۳۴ و چون به این ترتیب نگرست، ۳۵ به خواستاری خرد در این جهان شهر به شهر و ناحیه به ناحیه درآمد. ۳۶ و از بسیار کیش‌ها و گروه‌های مردمانی که آنان را در دانی برتر می‌اندیشید، پرسید و پژوهش کرد و بر آن‌ها اطلاع یافت. ۳۷ و چون دید که هر یک از آن‌ها چنان متناقض و مخالف دیگری است، ۳۸ آنگاه دانست که این کیش‌ها و گروه‌ها و فرقه‌ها که در این جهان با یکدیگر چنین متناقض‌اند، نمی‌توانند از آفرینش ایزدان باشند. ۳۹ زیرا که دین ایزدان راستی و قانونشان درستی است. ۴۰ و به این (مطلب) بی‌گمان شد که کسانی که به این دین پاک نیستند، در هر چیزی شک دارند، ۴۱ و به همین دلیل دچار آشفتگی می‌شوند.

۴۲ پس از آن در جستجو و عمل دین کوشا تر شد ۴۳ و از دستورانی^۲ که در دین داناتر و آگاهتر بودند، پرسید ۴۴ که برای نگاهداری تن و نجات روان چه چیز بهتر و برتر است. ۴۵ و آنان بنابر آنچه در <دین> معلوم شده است <گفتند ۴۶ که از (همه) نیکی‌هایی که به مردمان می‌رسد <خرد بهتر است. ۴۷ زیرا که گیتی را به <نیروی>

۱- گیتی و مینو دارای معانی مختلف‌اند. در این جا غرض از گیتی امور جسمانی، مادی و دنیوی و از مینو امور روحانی و غیر مادی است.
 ۲- دستوران: پیشوایان دینی زردشتی.

خرد می توان اداره کرد ۴۸ و مینو را هم به نیروی خرد می توان از آن خود کرد. ۴۹ این نیز پیدا است که اورمزد این آفریدگان در گیتی را به «خرد غریزی»^۱ آفریده است. ۵۰ و اداره گیتی و مینو به خرد است.

۵۱ و چون بزرگ سودی و ارجمندی خرد را به این گونه دید، نسبت به اورمزد خدا و امشاسپندان و مینوی خرد سپاسگزار تر شد. ۵۲ و مینوی خرد را به پناه گرفت ۵۳ و به مینوی^۲ خرد نماز و پرستش بیشتر کرد تا به دیگر امشاسپندان. ۵۴ و این را دانست که همه کارهای نیک و اعمال خوب را به نیروی خرد می توان از آن خود کرد، ۵۵ و باید در خشنودی مینوی خرد کوشا باشد. ۵۶ و از آن به بعد در ستایش کردن مینوی خرد کوشا تر شد.

۵۷ پس از آن مینوی خرد برای اندیشه و کامه آن دانا تن خویش را بدو نمایند، ۵۸ و بدو گفت ۵۹ که ای دوست ستاینده،* نیکی (متن: نیک) از برترین تقدس^۳ است، ۶۰ از من، مینوی خرد، تعلیم خواه تا تو را به سوی خشنودی ایزدان و نیکان، و در گیتی به نگاهداری تن و در مینو به رستگاری روان راهنما باشم.

۱- در ادبیات دینی زردشتی دو نوع خرد ذکر شده است: یکی خرد غریزی و دیگر خرد اکتسابی.

۲- مینو در این جا به معنی «روح» است.

۳- «برترین تقدس» ترجمه ahlāyih ī Pahlom است که خود برگردانیده دو کلمه اوستایی «آشیم و هُو» است که نام دعای معروف زردشتیان است (صورت کامل آن «آشیم و هُو آستی» است. یسن ۲۷، بند ۱۴). به احتمال زیاد در این جا غرض همین دعا است. زیرا پس از این که «دانا» به دین مزدیسنی ایمان کامل پیدا می کند، روح خرد این دعا را که در واقع در حکم ایمان به دین است بر او می خواند.